



حضور پررنگ مشهدی ها در جایزه جلال

گروه فرهنگ و ادبیات

نویسندگان مشهدی حضورپررنگی در فهرست نامزد‌های امسال جایزه جلال آل احمد دارند. به گزارش شهرآرا، روز گذشته نامزد‌های شانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد معرفی شدند که در میان آن ها نام سه نویسنده اهل مشهد دیده می شود. با توجه به خبری که روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران منتشر کرده است، در گروه مستندنگاری، جواد رستم زاده با کتاب «تو خداداد

عزیزی هستی» از نشر برید، و در گروه داستان بلند و رمان، اعظم عطیمی با کتاب «غم سوزی» از انتشارات شهرستان ادب و نوید ظریف‌کیمی با کتاب «گروگان‌کشتگی» از انتشارات سوره مهر، نامزد‌های مشهدی این جایزه در مرحله نهایی هستند. دراین مرحله، رقابت نامزدها در چهار گروه است و دیگر نامزد‌های آن نویسندگان زیر هستند: روح... شریفی با کتاب «روزهای پیام بری: روایتی از زندگی غلامحسین حدادزادگان پیام رسان و راننده پیکر شهید» (سوره مهر)، محمد حکیم آبادی با کتاب «عملیات احیاء، روایت صعود یک مجموعه دانش بنیان به قله دانش و فناوری الکتروموتو» (راه یار)، محمد رحمانی با کتاب «من اعتراف می‌کنم: زندگی و زمانه وحید افراخته» (ایران) در گروه مستندنگاری، ابراهیم اکبری دیگراه با کتاب «بیروط» (صاد)، مریم مطهری راد با کتاب «سفر به آتش» (دفتر نشر معارف)، سیده عذرا موسوی با کتاب «فصل توت های سفید» (شهرستان ادب) در گروه داستان بلند و رمان، علی شاهمادی با کتاب «از قبل یکشنبه می‌شود» (خزه)، محمد قائم خانی با کتاب «عاصف والداد» (صاد) در گروه مجموعه داستان کوتاه، صغری صالحی با کتاب «آخ‌الزمان در رمان های اپوگالپتیک» (پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات)، ساره زیرک با کتاب «اتصال روایی و بیناروایت، طرحی برای روایت شناسی پس‌اساختارگرا» (مولی)، امید طیبی زاده با کتاب «جلال آل احمد و معاصرانش» (نیلوفر)، نعمت... ایران زاده و سمیه آقابابایی و محمد مهدی زمانی با کتاب «زبان علم در پژوهش های ادبی» (خاموش)، حامد رشاد با کتاب «سیر تطور، اکنون و آینده رمان» (کانون اندیشه جوان) در گروه نقد ادبی، آیین پایانی «شانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد» و جشن یک صدسالگی تولد جلال آل احمد با عنوان «یک قرن جلال» چهارشنبه ششم دی ماه ۱۴۰۲ از ساعت ۱۸ در تالار وحدت تهران برگزار می شود.

کتاب‌خوان

«شب های روشن» داستایفسکی با ترجمه حمیدرضا آتش برآب منتشر شد

یک عاشقانه نافرجام

«شب های روشن» از داستان های اولیه داستایفسکی و مربوط به دوره پیش از زندان او در سبیری است که در سپتامبر تا نوامبر ۱۸۴۸ نوشته شده است. شخصیت اصلی این داستان مردی رؤیاپر داز است که نمونه هایی از آن را در دیگر آثار او هم می بینیم. او در یکی از شب های روشن سن پترزبورگ به صورت تصادفی با دختری آشنا و عاشق او می شود، اما این آشنایی موقت است و به سرانجامی نمی رسد.

مرد جوان پیش از آمدن دختر به زندگی اش تنهاست و پس از رفتن او نیز تنها می شود. اما همان چند ساعت در طول چهار شب پیاده روی در حاشیه رود، درخشان ترین لحظات زندگی او می شود. ناشر در معرفی این اثر نوشته است: داستایفسکی در قصه «شب های روشن» قصه عشق را می گوید، قصه ای نامرکز که در عالم ادبیات، هرکس به شیوه ای آن را ساز کرده و داستایفسکی نیز به شیوه خود این قصه را در «شب های روشن» روایت کرده است. قصه «شب های روشن» داستایفسکی، عاشقانه ای تلخ و شور انگیز با روایتی سراسرت و خوش خوان و پایانی غافلگیرکننده است. قصه از زبان راوی اول شخص نقل می شود؛ از زبان راوی ای که دیدار اتفاقی اش با یک زن، او را به آن زن دل بسته می کند. راوی قصه «شب های روشن» مردی است از جنس همه مردان تنهایی که اغلب در آثار داستایفسکی ملاقاتشان می کنیم؛ مردی ساکن پترزبورگ که تنها هم صحبتش مستخدمی سال خورده است. این مرد تنها، شب ها در خیابان های پترزبورگ پرسه می زند و خیال بافی می کند و در بیداری، رؤیای می بیند و از شدت بی کسی و بی همدمی، خانه ها و ساختمان ها را به چشم دوستان و هم صحبتان خود می بیند. شبی، حین پرسه زنی در خیابان، چشم راوی، در کنار کانال آب، به دختری می افتد. دختر به حصار کانال تکیه می زند و می گرید. پیش از این، هیچ زنی در زندگی راوی نبوده است. دختر برای راوی تعریف می کند که عاشق مردی است که او را قاتل گذاشته و به سفر رفته و یک سال است که از سفر برگشته، درحالی که قرار بوده برگردد و با او ازدواج کند.

ادوارد هلت کار در کتاب «داستایفسکی، جدال شک و ایمان» می نویسد: «شب های سفید خود داستانی چندان مهم و پر معنا نیست، اما برای آن باید جایگاهی مهم در سیر تکوینی فن و هنر نویسندگی داستایفسکی قائل شد.»

این داستان پیش از این با ترجمه های مختلفی منتشر شده است. این جمله با ترجمه سروش حبیبی، حالا حمیدرضا آتش برآب آن را از زبان روسی به فارسی برگردانده و یک تفسیر بلند هم ضمیمه کتاب کرده است.

شب های روشن
نویسنده: فیودار داستایفسکی
مترجم: حمیدرضا آتش برآب
ناشر: پارسه ۱۴۰۲
صفحه ۲۰۰
۲۲۵ هزار تومان

شهرآرا

شهرآرا
 ۲۷ شهریور ۱۴۰۲
 شماره ۱۹۵۵

۱۰



فرهنگ و ادبیات

سنابادی



نام رودکی سمرقندی با القاب باشکوه و جالبی در تاریخ ادبیات ایران ثبت شده است. این شاعر سده چهارم هجری که نخستین سراینده بلندآوازه ادبیات ما محسوب می شود، «پدر شعر فارسی» و «استاد شاعران جهان» لقب گرفته که گویای جایگاه بلند او در عرصه شعر است. رودکی با سروده هایش شاعران و نویسندگان بسیاری را به ستایش واداشته است تا جایی که نامش فراوان در شعر دیگران ذکر شده و بارها ابیانش تضمین شده است. در این مطلب، نمونه هایی از حضور استاد در نوشته های منظوم و گاه منظوم‌پس از وی را مرور کرده ایم.

دقیقی توسی، یکی از شاعران شناخته شده ادبیات فارسی و از پیشگامان به نظم درآوردن داستان های ملی ایران، در سده چهارم هجری با بیت «که را رودکی گفته باشد مدیح / امام فنون سخن بود ور» از رودکی یاد کرده است.

همچنین بزرگ سراینده توسی و سرآمد شاعران پارسی‌گوی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، در شاهنامه اش از رودکی می‌گوید. فردوسی در بخش پادشاهی‌نوشین روان، آنجا که داستان «کلیله ودمنه» و برگرداندن آن از پهلوی به تازی و سپس به پارسی درّی را شرح می دهد، مجاری به نظم‌کشیدن «کلیله ودمنه» به همت رودکی را ذکر می‌کند: «گزارنده را پیش نشان‌دند / همه نامه بر رودکی خواندند»

او همچنین سروده است: «غزل رودکی وار نیکو بود / غزل های من رودکی وار نیست»

مروری بر حضور نام و ابیات پدر شعر فارسی در سروده های دیگر شاعران

غضایری، از شاعران همان عصر، در قصیده ای خطاب به عنصری می نویسد: «به شعرشکرنگه کن که رودکی گفته است: / همه کسی را درویشی است و رنج عیال» فرخی سیستانی، شاعر شهرسده پنجم، در مدح امیر ابویعقوب یوسف بن ناصرالدین سبکتگین اینگونه از پدر شعر فارسی نام برده است: «شاعرانت چورودکی و شهید / مطربانت چو سرکش و سرکب» و در قصیده ای در مدح خواجه ابوسهل حمدوی می‌گوید: «یک بیت شعر یادکنم من که رودکی / گرچه ترا نگفت سزاوار آن توی» و در ادامه این بیت رودکی را می آورد: «جز برتری ندانی گویی که آتشی / جز راستی نجویی مانا ترا زوی»

اما پدر نثر فارسی، تاریخ نگار خراسانی سده پنجم و نویسنده بزرگ همه اعصار، ابوالفضل بیهقی نیز در شاهکارش «تاریخ بیهقی» بارها ابیاتی از رودکی می آورد. برای نمونه در نقل داستان فروگرفتن حاجب علی می نویسد: «واستاد رودکی گفته وزمانه را نیک شناخته است و مردمان را بدو شناسا کرده، شعر این جهان پاک خواب کردار است / آن شناسد که دلش بیدار است // نیکی او به جایگاه بداست / شادی او به جای تیمار است // چه نشینی بدین جهان هموار؟/

که همه کار او نه هموار است // دانش او نه خوب و چهرش خوب / زشت کردار و خوب دیدار است». او در شرح داستان معروف «بر دار کردن حسنک» هم ابیاتی از رودکی می آورد: «رودکی گوید: بسرای سینج مهمان را / دل نهادن همیشگی نه رواست // زیر خاک اندرون‌ت باید خفت / گرچه اکنونت خواب بر دیباست // باکسان بودند چه سود کند؟ / که به‌گور اندرون شدن تنهاست // یا رتو زیر خاک مورومگس / بدل آنکه گیسوت پیراست // آن که زلفین و گیسوت پیراست / گرچه دینار یا درمش بهاست // چون ترا دید زردگونه شده / سرد گردد دلش نه ناپیاست»

حکیم ناصر خسرو قبادیانی، شاعر و نویسنده شیفته اهل بیت و بیزار از حاکمان جبار زمانه در سده پنجم، در قصیده ای می نویسد: «جان را ز بهر مدحت آل رسول / گه رودکی و گاهی حسان کنم» ازرقی هروی، دیگر

سنایی غزنوی، بزرگ شاعران زمان، هم در ترکیب بندی در مدح مکین الدین می نویسد: «در یکی رو رودکی و عنصری با طعن و ضرب / وز دگر سو بونتمام و بختی در کروفر // اخلط واعشی در آن جانب شده صاحب نفیر / شا کرو جلاب ازین جانب شده صاحب نفر // از قفای بختی از حله در تا قیروان / بر فوافی رودکی از دجله در تا کاشغر» همچنین حکیم سنایی در شعری از خود، بخش هایی از سروده معروف رودکی (بوی جوی مولیان آید همی) را تضمین کرده است: «این آزان وزنست گفته رودکی / یاد جوی مولیان آید همی»

این مطلب را با بیتی از سوزنی سمرقندی، شاعر سده ششم، به پایان می بریم. او در مدح دهقان اجل احمد سمسار رودکی را این گونه یاد می‌کند: «کردم دل خویش را بت عیار عشقت / چون رودکی اندر غم عیار شکسته»

* مصرعی از کسی که به یکی از القاب رودکی اشاره می کند.

رودکی استاد شاعران جهان بود *

شاعر آن روزگار در یک قصیده می‌گوید: «حدیث میر خراسان و قصه توزیع / بگفت رودکی از وی فخر در اشعار» منوچهری دامغانی هم آنجا که در وصف بهار و مدح فضل بن محمد حسینی می سراید، چنین می‌گوید: شاعر و مهتر دلست و زیرک و والا / رودکی دیگرست و نصر بن احمد، و در جایی دیگر: «وز خراسان، بوشعیب و بوذرآن ترک کشی / وان ضریر پارسی، وان رودکی چنگزن» و باز در قصیده ای: «جز این دعات نگویم که رودکی گفته ست / هزار سال بزی، صد هزار سال بزی» منوچهری در «شرح شکایت» ناله می‌کند که «از حکیمان خراسان، کو شهید و رودکی / بوشکور بلخی و بوالفتح بستی هکذی»

مسعود سعد سلمان، ادیب سده های پنج و شش هجری، در مدح ارسلان بن مسعود آورده است: «جز آن نگویم شاها که رودکی گوید / خدای چشم بد از ملک تو بگرداناد» و در بیتی از یک سروده درباره خود چنین می‌گوید: «سجود آرد به پیش خاطر من / روان رودکی و این هانی»

امیر معزی هم در همان عصر بارها از رودکی نام می برد، از جمله در قصیده ای که چنین سروده: «بر من آنچ از تو رسید از انم و الا کجا / صدیکش بر رودکی از دوده سامان رسید» و در جایی دیگر: «اگر بود به مثل رودکی در این ایام / ز مدح هر دو شود عاجز و خورد تشویر» و نیز: «روان شد شعر من در آل اسحاق / چو شعر رودکی در آل سامان»

سنایی غزنوی، بزرگ شاعران زمان، هم در ترکیب بندی در مدح مکین الدین می نویسد: «در یکی رو رودکی و عنصری با طعن و ضرب / وز دگر سو بونتمام و بختی در کروفر // اخلط واعشی در آن جانب شده صاحب نفیر / شا کرو جلاب ازین جانب شده صاحب نفر // از قفای بختی از حله در تا قیروان / بر فوافی رودکی از دجله در تا کاشغر» همچنین حکیم سنایی در شعری از خود، بخش هایی از سروده معروف رودکی (بوی جوی مولیان آید همی) را تضمین کرده است: «این آزان وزنست گفته رودکی / یاد جوی مولیان آید همی»

این مطلب را با بیتی از سوزنی سمرقندی، شاعر سده ششم، به پایان می بریم. او در مدح دهقان اجل احمد سمسار رودکی را این گونه یاد می‌کند: «کردم دل خویش را بت عیار عشقت / چون رودکی اندر غم عیار شکسته»

* مصرعی از کسی که به یکی از القاب رودکی اشاره می کند.

درنگی بر چرایی انتخاب نام رودکی به عنوان پدر شعر فارسی به مناسبت یادروز او

شاعر منظومه های بلند در عصر طلایی فرهنگ

و هشتاد هزار از در دیوان، که از این تعداد تنها چند قصیده و قطعه و رباعی و تعداد اندکی ابیات به گفته سماعانی «نخستین کسی که شعر نیک به فارسی گفت، او [رودکی] بود». و هم از قول ابوسعاد ادریس حافظ «رودکی در شعر فارسی پیشوای زمان خویش بر اقران خود بود» (شریف اف)، «نقد شعر رودکی»، خراسان پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۷۹).

گذشته از ظهور رودکی در عصر طلایی فرهنگ ایران و شاعر و ادیب بودن او، تعداد اشعاری که از او یاد می کنند (گرچه گاهی اغراق آمیز به نظر می رسد)، از بزرگی او و ممتاز بودنش در پیشانی شعر فارسی حکایت می‌کند. رشیدی سمرقندی در قرن ششم هجری شمار اشعار او را یک میلیون و سیصد هزار بیت دانسته: «شعار او را بر شمر دم سیزده ره صد هزار / هم فزون آید اگر چنانکه باید بشمری». بیشتر تذکره نویسان از جمله جامی در بهارستان، امین احمد رازی در هفت اقلیم و نجاتی در بساتین الفضلا هم به شمار بالای این اشعار اشاره کرده اند. عوفی در لباب الالباب اشعار او را صد دفتر ذکر کرده است. حمدالله مستوفی این تعداد را هفتصد هزار و جامی یک میلیون و سیصد بیت (ظاهرا به جای سیصد هزار) دانسته است. اسدی در منظره عجم و عرب درباره رقم ابیات او قول دیگری دارد که معقول تر به نظر می رسد. به گفته او ابیات رودکی بیش از صد و هشتاد هزار بیت بوده است؛ شاعر چو گزین رودکی آن کش بود ابیات / بیش از صد



روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

علیرضا حدیدی

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

روزنامه نگار ومدیر نشر ادبیات

چاپ دوم مجموعه داستان «زنی که چشم هایش را در خانه جامی گذاشت» منتشر شد. به گزارش شهرآرا، این کتاب نخستین کتاب مهین راد، داستان نویس مشهدی، است و چاپ اول آن سال گذشته به بازار آمد. «زنی که... دوازده داستان کوتاه با نام های «شهری که به دریا کوچ کرد»، «باقی مانده من»، «زنک های قرمز»، «اسب های

کتاب نویسنده مشهدی به چاپ دوم رسید



را نشرروهان در ۱۷۴ صفحه به چاپ رسانده است.

«نجیب»، «زنی از سرزمین درختان خشک»، «شکارچی بی اسلحه»، «یهشتی دردروخ»، «زنی که چشم هایش را در خانه جامی گذاشت» و... را در برمی گیرد. این روایت ها عموما حال و هوایی فانتزی و خیال انگیز دارند. به گفته نویسنده، در چاپ تازه کتاب ایرادهای نگارشی آن برطرف شده و رنگ جلد نیز تغییر پیدا کرده است. این مجموعه